

نکات جدی درباره جوک

در روز جهانی جوک
نگاهی به تاریخچه
و کارکردهایش از
منظروان‌شناسانه
و تکنیک‌های لطیفه
گفتن خواهیم داشت

پرونده
شانزدهم
آگوست،
روز جهانی
جوک است.
بنابر بعضی تعریف‌ها امروز،
روز «یک جوک بگو» هم نام
گذاری شده است. به همین
بهانه تصمیم گرفتیم تا
ریشه جوک را بشناسیم و
تغییراتی را که جوک‌ها در
طول تاریخ داشته‌اند، مرور
کنیم. همچنین کارکرد
جوک و جوک‌گفتن در
جامعه را بررسی کنیم و
ببینیم از نظر علمی افراد
چرا به جوک‌ها می‌خندند
یا نمی‌خندند. در آخر هم
می‌گوییم که چطور
تعریف کردن جوک اجرای
خوبی داشته باشیم؟

جوک چیست؟

جوک عموماً یک پرش، داستان کوتاه یا توصیف موقعیتی است که به قصد مفرح بودن و خنداندن دیگران تعریف می‌شود و برای رسیدن به این هدف از ابزارهایی مانند کنایه، ریشخند و بازی با کلمات استفاده می‌کنند. طبیعی است اگر جوک خنده‌ای در پی نداشته باشد، بی‌مزه تلقی می‌شود. درحقیقت جوک چیزی است که اگر در جمعی گفته شود، دیگران متوجه «جوک» بودنش بشوند و آن را با سخنی جدی اشتباه نگیرند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های تعریف کردن جوک که به مرور تغییر کرده است، خاصیت داستانی بودن آن است. در قدیم یک «سخن کوتاه خنده‌آور بدون ساختار داستانی» را جوک نمی‌شناختند. در تعریف واژه انگلیسی joke آورده‌اند: «یک داستان کوتاه با توصیف وضعیتی برای خنداندن». این تعریف رانمی‌توان جایگزین تعریف آن‌چه در ایران، جوک نامیده می‌شود کرد زیرا شروط داستان بودن و کوتاه بودن در آن رعایت نشده است.

تاریخچه جوک در جهان و ایران

چند دهه قبل لوحی ۳۵۰۰ ساله‌ای در کشور عراق کشف شد که روی آن مطالبی همچون معماهای بامزه نوشته شده بود. دانشمندان بر این عقیده‌اند که این جوک‌ها توسط یک دانشجوی عصر بابل در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح نگاشته شده‌اند. این لوح‌های گلی که در سال ۱۹۷۶ کشف شدند، پس از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، گم شدند و امروزه هیچ فردی نمی‌داند که چه بلایی سر آن‌ها آمد. فقط عکس‌هایی از آن‌ها باقی مانده است. در زبان فارسی هم فخرالدین علی صفی متوفی به سال ۹۳۹ هجری قمری در هرات، نویسنده مهم‌ترین کتاب طنز فارسی است. پس از آن می‌توان به حکایات و هزلیات سعدی و دیوان عبیدزاکانی به عنوان پیشگامان شوخی‌های رندانه و پرمغز در زبان و ادبیات فارسی اشاره کرد. بارزترین نمونه شوخی‌های صرف را می‌توان در آثار «سحاق حلاج شیرازی» که به اسم «بسحاق اطعمه» شناخته می‌شود، خواند. همچنین بخش عظیمی از ضرب‌المثل‌های آمده در «امثال و حکم» دهخدا معانی طنزآمیز دارند و این نشان می‌دهد که طنز و لطیفه در فرهنگ عامه مردم این سرزمین چه جایگاه ممتازی داشته است.

از نصرالدین تا پنه‌پ!

مروری بر تغییرات ژانر جوک‌ها در گذر زمان

با توجه به اتفاقات و مراحل که یک جامعه و افراد آن از سر می‌گذرانند، نوع و ژانر جوک‌ها هم در طول تاریخ تغییر می‌کند که ممکن است برای نسل‌های بعدی خنده‌دار باشد یا نه. مشخص است که جوک‌های مناسبی که به یک اتفاق روزانه مرتبط هستند، ماندگاری کمتری نسبت به جوک‌های کلی دارند. ولی آن‌چه در طول تاریخ دیده می‌شود، نحوه پردازش و سرایش جوک‌هاست که هنوز هم بیشترشان یک داستان کوتاه هستند. زمانی جوک‌ها حول حاضر جوابی‌های افرادی مانند نصرالدین، جحی، عبید و... و بحث‌هایشان با پادشاهان بود و امروزه درباره خاطرات شخصی که بیشترشان ساخته ذهن طنزپردازان است.

جوکی با قدمت ۸۰۰ ساله!

به عنوان مثال حدود ۸۰۰ سال از ساختن این لطیفه می‌گذرد: «ساده‌دلی به جنگ رفته بود. سیر بزرگی با خود داشت که برای محافظت از جان خویش برده بود. چندی نگذشت که از بالای قلعه سنگی بر سرش زدند و بشکستند. دست بر سر شکسته گذاشت و گفت: «مگر کورید؟ سپر به این بزرگی رانمی‌بیند و سنگ بر سرم می‌زند؟».

جوک‌ها به دسته تقسیم می‌شوند

جوک‌ها به چندین دسته تقسیم می‌شوند و یک جوک ممکن است از یکی از این الگوها یا چندتای آن‌ها بهره‌برده باشد. در پرونده امروز با آن‌ها آشنا خواهید شد.

۱. جوک‌های خانوادگی

جنس روابط اعضای خانواده به هم، موضوع جوک است. مادرها، پدرها، فرزندان و... محوریت موضوعی است که در فرهنگ جامعه به شکل یک الگورواج دارد، مثل شوخی درباره غذا پختن مادرها یا کنترل تلویزیون و کولر که معمولاً دست پدرهاست و مخصوصاً شوهرعمه‌ها!

۲. جوک‌های شغلی و طبقاتی

هر شغلی در جامعه به رفتاری مشترک مشهور است. در این نوع جوک‌ها این رفتار مشترک صاحبان مشاغل و طبقات متفاوت اجتماعی مورد شوخی قرار می‌گیرد. این حالت بدون توجه به شخص یا نام خاصی، اشتراک‌های یک طبقه یا شغل که در فرهنگ هر جامعه آن را با آن الگو

چرا به جوک می‌خندیم؟

بررسی عوامل خندیدن انسان‌ها به مطالب طنز و جوک‌ها براساس علم روان‌شناسی و عصب‌شناسی



تاکنون تصویری شد شخصیت و علایق فردی است که تعیین می‌کند افراد نسبت به حرف‌ها، جوک‌ها یا مطالب طنز چه رفتاری نشان می‌دهند، اما به نظر می‌رسد مغز و منطق افراد از شخصیت و علاقه‌آن‌ها مهم‌تر باشد. به عبارت دیگر قبلاً تصور می‌شد خندیدن به جوک امری روانی است ولی دانشمندان اثبات کرده‌اند که بخشی از آن امری فیزیکی و فیزیولوژی است. جوزف موران در دانشگاه دارتموند هانوفر، از ام.آر.آی عملکردی استفاده کرده تا مغز داوطلبان را در حال تماشای برنامه‌های کمدی تلویزیونی اسکن کند. این آزمایش‌ها الگوی متمایزی از فعالیت سلول‌های عصبی مغز را نشان می‌دهد که به دنبال یک جوک خنده‌دار پدیدار می‌شوند. علاوه بر دو فرایند هسته‌ای دریافت جوک و احساس خوب داشتن نسبت به آن، جوک‌ها قسمت‌های دیگری از مغز را فعال می‌کنند که به تشکیل تداعی، یادگیری و تصمیم‌گیری مربوط هستند. همچنین شوخی باعث بالا رفتن فعالیت قسمت‌هایی از مغز می‌شود که منحصر به انسان است و تنها گونه‌های عالی



۱

مثلت طلایی جوک: قبل از تعریف کردن جوک، باید مثلث طلایی شرایط جوک‌گفتن را بررسی کنید. یعنی زمان مناسب، مکان مناسب و آدم مناسب. یعنی لحظه‌ای باید جوک را بگویید که جمع آمادگی داشته باشد، وسط مجلس ختم، وقتی همه در حال خوردن هستند، زمانی که بازی دو تیم فوتبال به ضربات پنالتی کشیده و... زمان مناسبی نیست. مکان مناسب هم چیزی شبیه زمان مناسب است. وقتی داخل ماشین هستید و صدای موزیک بلند است، وقتی همسران در حال جاروبرقی کشیدن است و خیلی مثال‌های دیگر، شما اگر جوک خوب را با تکنیک خوبی تعریف کنید اما زمان و مکانش مناسب نباشد خرابکاری کرده‌اید، اما آدم‌های مناسب ضلع سوم است، یعنی مخاطب شما یکدست باشد، جوکی نگویید که مناسب بچه‌ها نیست یا برای بچه‌ها جالب است و بزرگ‌ترها را نمی‌خنداند. باز ذخیره ذهنی مخاطب دور است و منظورتان را نمی‌فهمد. به‌طور مثال نمی‌شود برای مادر بزرگتان جوک بگویید و حین آن به لیونل مسی ارجاع بدهید.

۲

زور نزنید! اشتباه بزرگ این است که هی جو بدهید و بگویید: «یک جوک میگیرم روده بر بشین» یا وسط جوک خودتان بخندید. جوک خوب نیازی به این کار ندارد.

۳

جوک سخت! اگر مسلط نیستید، اگر جوک و ارجاع‌تان نیاز به تقلید صدا دارد یا تکنیک خاصی می‌طلبد به گفتن یک لطیفه ساده بسنده کنید.

۴

شعور مخاطب را دست کم نگیرید! شما باید جوک را تعریف کنید و بعد ضربه پایانی را بزنید و ماتی چیزی‌ها را به مخاطب واگذار کنید. نمی‌شود جوک و تفسیرش را به هم برایش ارائه کنید، مدام جوک را توضیح ندهید و نگویید: «فهمیدی چی شد؟ منظور من این بود که...»

۵

جدی باشید! اگر خنده‌تان گرفت بخندید اما به‌زور نخندید؛ سرد و ساده جدی جوک را بگویید و در ضربه نهایی خوب مکث کنید تا مخاطب غافلگیر شود.

۶

مرور کنید! قبل از بیان جوک، یک بار آن را در ذهن‌تان مرور کنید، از جمع‌های کوچک مثل همسر و برادر شروع کنید بعد جوک را در جمع بزرگ اجرا کنید. بدترین اتفاق آن است که جوکی را بگویید و وسطش مکث کنید تا ادامه‌اش را به‌یاد بیآورید. سعی کنید در تمرین‌ها جوک را کوتاه‌تر کنید و از تصویرسازی استفاده کنید تا ملموس‌تر باشد.

۷

هیچ کار دیگری نکنید! همان‌طور که لازم است جوو جمع برای جوک گفتن شما آماده باشد خود شما هم نباید وسط جوک گفتن تلفن را چک کنید، تخمه بخورید، یا کنترل تلویزیون رو بربوید...

۸

نترسید! نگران باز خورد منفی، نخندیدن و متلک دیگران نباشید. هدف جوک گفتن این است که دور همی شما شیرین شود. حتی با خودتان شوخی کنید و اسم خودتان را به‌جای شخصیت اصلی جوک بگویید تا دیگران بدانند از متلک و باز خورد منفی نمی‌ترسید.

۹

جمع را تخریب نکنید! بدترین کار این است وقتی یک نفر در جمع سوتی می‌دهد شما بگویید یا د فلان جوک افتادم! بدتر این که بپرسید: «اون جو که رو شنیدین طرف میره جنگل خرس میاد جلوش، اونم میگه فلان» نمی‌شوید یک جوک را کامل تعریف کرد تا بپر سید بقیه آن‌را شنیدند یا نه. یا جوک را بگویید یا نگویید. اما سوال نکنید.



منابع بخشی از این پرونده: دنیای اقتصاد، خبرآنلاین، ایسنا